

جهان‌شمیر

بازار

چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۳

شماره ۴۳۰۷

فروشگاه

FARHIKHTEGANDAILY.COM

فروشگاه

FARHIKHTEGANONLINE

تروریسمکی



حانیه قاسمیان خبرنگار گروه جهان‌شهر

تصویر سسینمایی دو جسد خون‌آلود در پیاده‌رو سنگی و برفی مسکو، در صدر خبرگزاری‌های جهان نشست. یکی از آن دو جسد خون‌آلود متعلق به ژنرال ایگور کریلوف، فرمانده نیروهای دفاع هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی روسیه و جسد دیگر متعلق به دستیارش بود. آن‌ها به وسیله بمب هدایت‌شونده از راه دور که در یک اسکوتر کار گذاشته شده، کشته شدند. تا لحظه نگارش این گزارش، کی‌یف به طور رسمی مسئولیت این ترور را نپذیرفته است اما خبرگزاری فرانسه و بی‌بی‌سی هرکدام به نقل از یک منبع امنیتی اوکراینی گزارش کرده‌اند که حمله با بمب به کریلوف، یک «عملیات ویژه سسرویس امنیتی اوکراین» بوده است. همچنین وبسایت پلِتیکو به نقل از یک مقام ارشد قانونگذاری اوکراین – که نخواست نامش منتشر شود– نوشته کریلوف یک «جنایتکار جنگی» و «هدفی کاملاً مشروع» بوده؛ چراکه دستور استفاده از «سلاح‌های شیمیایی ممنوع» را «علیه نیروهای اوکراینی» صادر کرده‌بود. این مقام اوکراینی «انتقام» برای جنایات جنگی را «اجتناب‌ناپذیر» خوانده است. ترور این مقام بلندپایه نظامی روسی، با فاصله یک روز پس از بیانیه سرویس امنیتی اوکراین (SBU) در باره اتهام مسکو در استفاده نزدیک به پنج‌هزار بار از انواع مختلف سلاح‌های شیمیایی ممنوع علیه اوکراین و نقش ویژه کریلوف در این حملات، شائبه‌ها در باره هدایت و اجرای این عملیات توسط کی‌یف را تشدید کرده است. با این حال رئیس کمیته تحقیقات روسیه که به‌عنوان عالی‌ترین نهاد تحقیقاتی در مسائل امنیتی است، این عملیات را «اقدامی تروریستی» خوانده که در آن جرائمی ازجمله قاچاق سلاح و مواد منفجره نیز رخ داده است.

باتروریستی خواندن این عملیات، به‌طور حتم از دید مسکو، مظنون اصلی، کی‌یف است. به‌همین دلیل هم‌میتزری ملدوف، معاون شورای امنیت روسیه به‌خبرگزاری رویانوستی روسیه گفته‌رهبران اوکراین با «انتقام‌فوری» مواجه خواهند‌شد. اودلیل این ترور را اطلاع رهبران اوکراین از «شکست نظامی گریزناپذیر» خوانده است.

در میدان چه خبراست؟

بیش از تحولات در میدان جنگ، همه چشم‌ها به‌ساعت بازگشت دونالد ترامپ

ایگور کریلوف که بود؟

ژنرال لیفانتنات ایگور کریلوف، ۵۴ ساله، از سال ۲۰۱۷ رئیس نیروهای دفاعی رادبولژیکی، شیمیایی و بیولوژیکی ارتش روسیه بوده است. بریتانیا او وواحدش را در اکتبر ۲۰۲۴ به اتهام استفاده از سلاح‌های شیمیایی در اوکراین، تحریم کرده است. بخشی از مشهورشدن کریلوف، مربوط به ادعایش در باره آز مایشگاه‌های بیولوژیکی غربی و ارتباط احتمالی آنها با شیوع بیماری‌های مسری از جمله کووید-۱۹ است. او پیش تر گفته بود واشنگتن قصد دارد سلاح‌های بیولوژیکی به اوکراین بدهد و این شامل هدف قرار دادن سربازان روسی با پشه‌های آلوده به مالاریا خواهد بود. او همچنین به طور مکرر کی‌یف را متهم به استفاده از سـلاح‌های شیمیایی کرده بود. در اکتبر ۲۰۲۴، کریلوف ادعا کرد که ارتش اوکراین از سلاح‌های شیمیایی ساخت غرب در شهر سوچا در منطقه کرسک روسیه که تحت کنترل کی‌یف بود، استفاده کرده است. از سال ۲۰۲۲، کریلوف گفته بود که کی‌یف در حال توسعه «بمب کثیف» است. بمب کثیف نوعی جنگ‌افزار انفجاری است که در آن یک انفجار غیرهسته‌ای برای پراکندن مواد پرتوزا و هسته‌ای در محیط استفاده می‌شود.

بازار

انحلال دولت آلمان و حرکت به سمت انتخابات زودهنگام پارلمانی به چه معناست؟

سنگربندی برلین در برابر ترامپ



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

مدت‌ها بود در اروپا جنگی رخ ندهاده بود، اما جنگ درگرفت. مدت‌ها از بی‌ثباتی سیاسی در دولت‌های قدرتمند اروپایی خبری نبود، اما حالا این بالای شوم هم «زیگ در خانه» آن‌ها رازده است.

بحران سوخت، آوارگان، جهان‌درحال‌گذار، عربان‌ترشدن یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، تغییر وضعیت اتحاد فرآتلانتیکی و روند کثرت قدرت در جهان به همراه دیگر مشکلات کوچک و بزرگ، اروپا را گرفتار خود کرده است. طی کردن روزگار با مشکلات همراه است اما وزن معضلات کنونی برای قاره‌سبز سنگین‌تر و راهکار حل‌وفصل آن‌ها نیز مبهم است. پیچیدگی اوضاع باعث شده در روزهای اخیر دولت‌های دو ستون اصلی اتحادیه اروپا، به ترتیب اهمیت و زمان، ابتدا در فرانسه و سپس در آلمان سقوط کنند. در آخرین نمونه، روز دوشنبه اولاف شولتس، صدراعظم آلمان نتوانست از پارلمان آلمان رأی اعتماد بگیرد. با سقوط دولت آلمان و حرکت این کشور به سمت انتخابات زودهنگام، مسئله مهمی مطرح می‌شود؛ آیا قرار است همانند فرانسه، انتخابات زودهنگام پارلمانی به جای حل مسئله تنها آن را پیچیده‌تر کند؟

چندی قبل و پس از نتایج خیره‌کننده انتخابات پارلمان اروپا، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهورفرانسه تصمیم گرفت با انحلال پارلمان انتخابات زودهنگام برگزار کند؛ اما در عمل این انتخابات به موفقیت چپ‌گرایان و تثبیت راست‌های افراطی منجر شد. به نظر می‌رسد در آلمان اتفاقی مشابه فرانسه رخ دهد؛ چه اینکه دولت کنونی این کشور نیز محوریت قدرتمندی نداشت و از ائتلاف بسیار پیچیده‌ای میان سه حزب سوسیال‌دموکرات، حزب سبزها و دموکرات آزاد تشکیل شده‌بود. این سه حزب در موضوعات مختلفی مانند جنگ اوکراین، اقتصاد و مهاجرت با یکدیگر اختلاف داشتند.

نقش ترامپ در سقوط آلمان چه بود؟ چرا و برای برلین خطرناک است؟

ائتلاف دولت آلمان تنها چند ساعت پس از اعلام پیروزی ترامپ فروپاشید. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل فروپاشی این ائتلاف و سپس سقوط دولت، نگرانی از تبعات روی کار آمدن ترامپ بر برلین است. یک دولت شکننده که به شکل پیچیده‌ای بر اساس ائتلاقی سه حزبی تشکیل شده‌بود و صدراعظم آن اقتدار کافی رانداشت، نمی‌توانست در برابر مشت‌های محکم و سیاست‌های مکانیکی ترامپ، مقاومت مؤثری از خود نشان دهد. در ادامه این بخش تلاش شده به تبعات روی کار آمدن ترامپ بر دولت آلمان در بخش‌های مختلف پرداخته‌شود.

۱. اقتصادی

ترامپ به لحاظ اقتصادی به شدت مخالف اروپاست. او از کسری موازنه تجاری میان آمریکا و کشورهای اروپایی عصبانی بوده و اعلام کرده اگر اروپایی‌ها شکاف موازنه را با خرید کالا هسای آمریکایی پر نکنند، روی

اوکراین با حذف مقام ارشد دفاعی روس جنگ را وارد مرحله جدیدی کرد

به کاخ سفید دوخته شده است. ترامپ حالا در پاشنه در کاخ سفید قرار دارد و در سخنرانی‌های متعدّدش نیز صراحتاً اعلام کرده که بنا ندارد بیش از این بودجه به چاه ویل اوکراین سرازیر کند. زمان برای زلنسکی بسیار محدود شده است؛ او برای زدن ضربه کاری به روسیه که هفته‌های اخیر دست بالا را در جنگ پیدا کرده و به پیشروی مداوم خود در جبهه شرقی ادامه می‌دهد، چند هفته بیشتر فرصت ندارد. به نظر می‌رسد همین تنگنای زمانی، اتاق جنگ کی‌یف را به سمت انجام عملیات‌های خرابکارانه سوق داده است. نیروهای اوکراینی برای جبران پیش‌روی‌های روسیه در دونباس عملیات‌های خرابکاری برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های روسیه را تشدید کرده‌اند. به طور خاص، آن‌ها یک قطار بزرگ روسی شامل ۳٫۲ میلیون پوند نفت را در منطقه اشغالی زاپوریژیا منهدم کردند. این عملیات شامل قرار دادن نم‌روی ریول‌ها، شلیک دقیق باسامانه‌های موشکی HIMARS تأمین‌شده از سوی آمریکا و حملات پهبادی متعاقب بود که نفت باقی‌مانده را نابود کرد.

چرا ترور؟

ترور شـخصیت‌های کلیدی نظامی در خاک روسیه، چه به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم با اوکراین مرتبط هستند و از ویژگی‌های این جنگ بوده است. مانند همه مقامات وزارت دفاع روسیه، کریلوف نیز قابل تعویض بوده و بعید است که مرگ او باعث شود روسیه به‌طور ناگهانی مسیر خود را تغییر دهد ولی با این حال، مانند بسیاری از حملات اوکراین به خاک روسیه، این ترور سیگنالی به ارتش روسیه است که فر مانده‌انت در هر کجا که هستند آسیب‌پذیرند. ترور کریلوف، چهارمین حادثه علیه مقامات نظامی روسی در دو ماه گذشته است. تشدید ترور مقامات نظامی روسیه، نسخه‌کپی برداری‌شده از رژیم صهیونیستی است. تل‌آویو دهه‌هاست که از الگوی ترور برای حذف دشمنانش استفاده کرده است. رژیم در جریان جنگ غزه که تحت مدیریت و فرماندهی نیروهای آمریکایی عمل می‌کرد، ترور فرماندهان مقاومت را در دستورکار خود قرار داد تا از این طریق، بتواند در دشمنانش فتن آید. تکرار این الگو در اوکراین، احتمالاً حکایت از طراحی یک اتاق عملیات دارد. اما چرا کی‌یف اکنون به سمت ترور مقامات نظامی رفته است؟

۱- تلقی ضعف روسیه

یک احتمال بسیار ضعیف، تلقی ضعف روسیه است. به تازگی روسیه ناچار شد آخرین نیروهای نظامی خود را از شهر ساحلی طرطوس سوریه به خارج کند.

اهمیت سوریه به‌ویژه از جهت امکان دادن به روسیه برای دسترسی به مدیترانه بر کسی پوشیده نیست. حالا پس از سال‌ها راه ارتباطی روسیه به مدیترانه مسدود شده است. این شکست گرچه برای روسیه مرگ‌آور نیست اما ضربه‌ای جدی به جایگاه این کشور در خاورمیانه و عرصه بین‌المللی وارد کرده‌است. تلقی تضعیف روسیه به خاطر سقوط اسد در سوریه به اندازه‌ای جدی است که دونالد ترامپ نیز به این موضوع اشاره کرده است.

۲- ضربات کاری در ایستگاه پایانی

پیروزی دونالد ترامپ، برای اوکراین یعنی پایان جنگ؛ این راه‌هم‌ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین می‌داند و هم اروپا. از همین روزنیز صدراعظم آلمان در تلاش بود تا بسته ۳ میلیارد یورویی را برای کمک به اوکراین در بودجه جای دهد، اما مخالفت وزیر دارایی باعث شد تا دولت از هم بپاشد. در چنین وضعیتی، روس‌ها در روزهای گذشته موفق شده‌اند به پیشروی خود ادامه داده و یگان‌های نیروهای مسلح اوکراین در خارکیف را شکست دهند. آن‌ها شهرهای و سیلگای و پوشکینو را در دونتسک به کنترل خود در آوردند. تداوم این وضعیت، کی‌یف را در وضعیت تسلیمی سخت در برابر مسکو قرار می‌دهد. لذا کی‌یف برای اینکه حداقل بتواند مابین جنگی مسکو را متوقف کند، به سمت ترور های هدفمند گام برداشته است تا در صورت ورود ترامپ به کاخ سفید، شرایط حداقلی برای مذاکره و رسیدن به توافق فراهم باشد.

جنگ جهانی سوم یا آغاز آتش بس؟

ترور یک مقام بلندپایه روسیه، بر خلاف تصور کی‌یف، می‌تواند آتش جنگ را گسترده‌تر از آن چیزی که است، کند. نباید فراموش کرد که جنگ جهانی اول به بهانه ترور «آرشیسیدوک فرانتس فردیناند» وارث تاج و تخت پادشاهی اتریش-مجارستان آغاز شـد و اروپا را در خود فرو برد. هیچ‌کس نمی‌تواند تضمین دهد که ترور مقاماتی در این سطح، یک بار دیگر چنین فاجعه‌ای را به همراه نداشته باشد. در جریان جنگ اوکراین، کارشناسان بارها از احتمال بروز جنگ جهانی سوم سخن گفته‌اند. اخیراً مجله نیوزویک در مقاله‌ای به نقل از کارشناسان نظامی که به بررسی احتمال وقوع جنگ جهانی سوم و عوامل اصلی آن پرداخته‌اند، نوشت که کارشناسان هشدار داده‌اند تنش‌های جهانی ممکن است به درگیری‌های بزرگ‌تر منجر شود، به‌ویژه در پی درگیری‌های منطقه‌ای و بحران‌های موجود در کشورهای مختلف. یکی از محورهای اصلی بحث

ژنرال چگونه کشته شد؟

آفتور که کمیته تحقیقاتی روسیه اعلام کرد ژنرال ایگور کریلوف و دستیارش پس از آنکه «یک دستگاه انفجاری که در یک اسکوتر پارک شده نزدیک ورودی یک ساختمان مسکونی در خیابان رایازانسکی در مسکو قرار داده شده بود، منفجر شد» کشته شدند. کانال تلگرامی «بزا» که مسائل نظامی جنگ روسیه و اوکراین را بررسی می‌کند نیز نوشته که اسکوتر با گذاری شده با مواد منفجره، حدود ساعت ۴ صبح در نزدیکی ورودی مجموعه مسکونی قرار داده شده بود. این کانال اضافه کرد که چک کردن خروج افراد از ساختمان ممکن است از یک آپارتمان اجاره‌ای روبه‌روی خیابان با یک خودروی نزدیک یا از طریق سیستم نظارت ساختمان که ممکن است هک شده باشد، انجام شده است. طبق گزارش خبرنگاران حاضر در صحنه، انفجار چندین پنجره ساختمان را شکسته و در ورودی ساختمان به شدت آسیب دیده است. آژانس خبری دولتی RIA Novosti نیز گزارش داد که بر اساس اظهارات یک منبع، قدرت تخمینی این دستگاه انفجاری معادل ۲۰۰ گرم TNT بود.

بازار

بازار

بازار

بازار

بافرسپایش و ساییدگی شاخه‌های انحراف اروپا از آمریکا، قاره‌سبز را در مدار واشنگتن قرار خواهد داد. در قضیه برجام، سه‌دولت اروپایی عضو در ابتدا علیه آمریکا اقدام کردند. اما در نهایت این بازی ثابت گرد اما بدون واشنگتن قادر به انجام کاری نبوده و بهتر است از این دولت پیروی کنند.

۳. نظامی-امنیتی

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا ضامن امنیت کشورهای اروپایی در برابر تهدید باقی‌مانده یعنی روس‌ها بوده است. این مسئله در دوران شوروی وجود داشت و در دوره روسیه نیز ادامه یافت.

آمریکا بنا به دلایلی قصد دارد چنین تعهداتی را کاهش دهد. آنچه واشنگتن به عنوان بهانه رسمی و برای حفظ شأنیت خود ادعا می‌کند، تمرکز بر چین است. اما در هر حال دلیل اصلی و واقعی آن را می‌توان از صداهای اجتماعی بیرون آمده از داخل آمریکا شنید؛ جایی که مردم و بسیاری از گروه‌های اجتماعی از اینای نقش پلیس جهان توسط کشورشان که هزینه‌های سنگین مالی و جانی دارد به فغان آمده‌اند.

واشنگتن دیگر توان اجرای نقش گذشته خود را ندارد. به دلیل روند کثرت قدرت در جهان، بر تعداد دولت‌های قدرتمند جهانی افزوده شده که آن‌ها نیز حرف‌شنوی چندانی از آمریکا ندارند. سیاست‌های متفاوت چین، روسیه و حتی برزیل در این زمینه قابل توجه‌اند.

کاهش تعهدات نظامی و امنیتی آمریکا در اروپا، تبعات بزرگی برای این قاره

بازار

نکات

درباره سقوط دولت آلمان و محیط این اتفاق، نکات دیگری نیز وجود دارند که در ادامه آمده‌اند.

۱. نگرانی آلمان از تعهدات امنیتی آمریکا: آلمان به دلایلی باید بیشتر از فرانسه و انگلیس نگران تعهدات امنیتی آمریکا در اروپا باشد؛ نخست آنکه این دولت بر اساس توقافات پس از جنگ فاقد بسیاری از ویژگی‌های نظامی مهم مانند تسلیح به سلاح‌های هسته‌ای است و دوم آنکه فاصله کمتری با روسیه دارد که امروزه به قاره سبز حمله کرده است.

۲. تغییرات در دولت آلمان: دولت آلمان پس از مرکل متکثرت شده و ائتلاف پیچیده‌تری را شامل شده است. در دوره مرکل، او هم کاربیزمای بیشتری داشت و هم کارش در مدیریت ائتلاف دولتی آسان‌تر بود. با این حال، در دوره صدراعظمی شولتز اوضاع سخت‌تر شد. نسبت به گذشته، علاوه بر پیچیده شدن ائتلاف دولتی، حمله روسیه نیز وضعیت را بغرنج‌تر کرده است.

۳. وضعیت آلمان و اوکراین: آلمانی‌ها در اتحاد با اوکراین قرار دارند و همانند آمریکا به این نتیجه نرسیده‌اند که باید پای خود را از این نبرد بیرون بکشند. از سوی دیگر، نبرد در اوکراین زبان سنگینی برای روسیه داشته است و احتمال کمی وجود دارد که روس‌ها از انتقام‌جویی خودداری کنند؛ آن‌هم در حالی که اروپا همچنان بر مواضع خود در جنگ اصرار دارد. با کاهش توجه آمریکا در دولت ترامپ به اوکراین، اروپایی‌ها در تماس بیشتری با مشکلات جنگ قرار خواهند گرفت. آن‌ها باید پیش از وقوع نبرد برای شرایط آتی آماده کنند.

۴. استقلال استراتژیک اروپا: اروپا برای استقلال استراتژیک خود گزینه‌های زیادی ندارد. سه قطب اصلی قدرت جهانی کنونی، آمریکا، چین و روسیه‌اند. استقلال استراتژیک اروپا اساساً از کاهش وابستگی این قاره به واشنگتن رقم می‌خورد. از سوی دیگر، روسیه در وضعیت جنگ با اروپا قرار گرفته است. از این رو، تنها گزینه اروپا برای استقلال استراتژیک برقراری ارتباط امن و گسترده با چین است. پیش از تحولات کنونی، انگلیسی‌ها با روی کار آوردن حزب کارگر در این مسیر گام برداشتند؛ تغییری که همان‌زمانی می‌شد در لندن رخ داده تا ارتباطات با پکن بهتر پیگیری شوند.

در این مقاله، تنش‌ها و درگیری‌ها در اروپا، به‌ویژه درخصوص روسیه و ناتو است. کارشناسان هشدار داده‌اند کشورهای حوزه باتیک یا لهستان می‌توانند به کانون‌های تنش تبدیل شوند که در صورت تشدید آن، جنگ اوکراین می‌تواند به یک جنگ جهانی تبدیل شود. در این راستا، اقدامات اخیر اوکراین، به‌ویژه عملیات‌های خرابکارانه و همچنین ترور ژنرال کریلوف، می‌تواند به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده در مسیر جنگ جهانی سوم دیده شود.

انتشار ویروس تروریسم دولتی

عملیات‌های تروریستی هدفمند برای حذف مقامات حکومتی و یا اشخاص اثرگذار، سابقه‌ای به‌قدمت تأسیس اولین حکومت‌های تاریخ‌دارد. در تاریخ معاصر نیز حذف فیزیکی افراد عمدتاً با مسئولیت‌های گروه‌های شبه‌نظامی و غیردولتی انجام می‌گرفت. این عملیات‌های تروریستی اگرچه گاه به‌دستور مقامات دولتی یک کشور متخاصم صورت می‌گرفت اما عملیات آن به نحوی انجام می‌شد که اثری از کلیت دولت در آن نباشد. پیش‌تر قبح و هز بنه‌قبول مسئولیت عملیات‌های تروریستی برای دولت‌ها آن قدر زیاد بود که وظیفه این عملیات‌ها به‌گروه‌های شبه‌نظامی غیر دولتی واگذار می‌شد. براکسی‌ها و نیروهای نیابتی شبه‌نظامی دولت‌ها در چنین مواقعی نقش تسهیلگر و مجری طرح عملیات‌های تروریستی را ایفا می‌کردند. صفحات تاریخ معاصر جهان پر از عملیات‌های تروریستی است که مسئولیت آن را نیرویی بر عهده نگرفت یا آنکه دست‌های پشت پرده این ترورها هیچ‌گاه از پرده بیرون نرفتاد. در سال‌های اخیر اما جهان شاهد اشاعه ویروس تروریسم دولتی در سطح جهان بوده است. داغ ننگ تروریسم دولتی که پیش‌تر تنها بر پیکره رژیم تل‌آویو بود در این سال‌ها بر پیکره دیگر دولت‌ها نیز نشسته است. اگر تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی در یکسال‌نیم اخیر را در نظر بگیریم، ترور جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان در ترکیه، ترور شهید فخری زاده‌وشهادت سردار سلیمانی از عملیات‌های تروریستی دولتی در سال‌های اخیر بوده‌اند. دولت ترامپ به‌طور هدفمند مقام رسمی کشوری را در خاک کشوری مستقل مورد هدف قرار می‌دهد و پس از آن مسئولیت کامل ترور را قبول می‌کند. ترور ژنرال کریلوف در قلب مسکو این پرسش را زنده می‌کند که میدان جنگ تا کجا می‌تواند گسترده‌شود؟ اگر این شکل از تروریسم دولتی بدون واکنشی از سوی نهادهای بین‌المللی ادامه پیدا کند، ترور مقامات سایر کشورها تبدیل به یک عرف بین‌المللی خواهد شد.

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

ترامپ و همفکرانش دلایل زیادی برای دخالت اجتماعی در اروپا دارند. ترامپ می‌داند برخلاف احزاب محافظه‌کار که به دلیل ملی‌گرایی درون‌گرا بوده و تمایل کمتری برای برقراری ارتباط با احزاب خارجی مشابه با خود دارند، احزاب دموکرات و چپ‌گرا به شدت تمایل به هماهنگی و برقراری ارتباط با احزاب مشابه خود در سراسر جهان هستند. حزب دموکرات آمریکا از این وضعیت بهره برده است و ترامپ می‌کوشد مسیر این بهره‌برداری را از مسیرهای مختلف مسدود کند.

اوپنیش از انتخابات ریاست جمهوری، به‌طور جدی به «گر استار مر» رهبر حزب کارگر و نخست‌وزیر انگلیس نسبت به مشارکت هم‌حزبی‌هایش در انتخابات آمریکا هشدار داد. به‌طور سنتی فعالان حزب کارگر انگلیس به حمایت‌دوطلبانه از حزب دموکرات در انتخابات‌های آمریکایی پرداختند که به‌شکل قانونی صورت می‌پذیرد. با این حال کارزار انتخاباتی ترامپ قصد داشت از این موضوع برای مهم‌سازی حزب دموکرات استفاده کند.

یکی دیگر از مسیرهای کاهش اثرات هماهنگی احزاب چپ و دموکرات با حزب دموکرات آمریکا، هماهنگی میان احزاب محافظه‌کار در آمریکا و اروپاست. در این صورت، احزاب محافظه‌کار اروپایی نیز در تبلیغات به حزب جمهوری‌خواه کمک می‌کنند؛ همان‌گونه که ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان پیش از انتخابات بارها از ترامپ تمجید کرد و مبلغ بین‌المللی او بود. دولت کنونی آلمان در انتخابات اخیر آمریکا از جو بایدن و سپس کامالا هریس حمایت کرد و باید منتظر ضربه انتقام‌جویانه ترامپ باشد که شامل حمایت از راست‌های افراطی در این کشور خواهد شد.

هدف دیگر ترامپ از تقویت راست‌گرایان، مساعد ساختن محیط عملکردی خود برای پیگیری سیاست‌های محافظه‌کارانه رادیکال در آمریکاست. اخراج گسترده‌مجران از آمریکاکه تعدادشان ۱۲ میلیون نفر بوده، نیازمند بودجه کلانی است که ۳۰۰ میلیارد دلار تخمین‌زده شده است. اختصاص این مبلغ و رقم زدن اخراج ۱۲ میلیون نفر کار برتبعاتی است و نمی‌تواند همراهی افکار عمومی را به‌دست آورد مگر آنکه موجدی کلان در این باره شکل گرفته باشد.